



Bas vekalet در استانبول ثبت است. این نامه پرتو تازه‌ای بر روابط میان روسیه و ترکیه عثمانی همچنین بر وضعیت سیاسی در قفقاز در یک مرحله خصوصاً جالب یعنی در لحظه لشکرکشی پتر کبیر به دریند می‌افکند. برای نخستین بار در تاریخ روسیه به شکل نظامی در ماورای قفقاز که تا آن زمان توسط دو سلطنت بزرگ شرقی یعنی امپراطوری عثمانی و امپراطوری صفوی ایران مورد منازعه و کشمکش بود، مداخله نمود.

در این تاریخ وقتی که روسیه به پیروزی بر سوئدطبق معاهده نیاشات Nisiat صحنه می‌گذاشت و خودش را برای سیاست فعالانه‌تری در سرحدات جنوبی و شرقی‌اش آماده می‌کرد، قفقاز در یکی از بحران‌های بزرگ تاریخش که هرگز آرام نبود، سیر می‌کرد. در پایان قرن هفده این منطقه در معرض تاثیر خارجی از سمجهت واقع شد. از طرف خانات کریمه که بر اراضی جلگه‌های کوبان Kuban تا کاباردا Kabarda مسلط بود از جانب امپراطوری عثمانی که متصرفات شرقی‌اش بجاوراء قفقاز غربی (انجازیا، ایمرتیا، مین گوریا و گوریا) کشیده می‌شد. و مخصوصاً امپراطوری صفوی تمامی ماورای قفقاز شرقی یعنی کاختتا Kakheta، کارتالینیا Kartalina، ارمنستان، شیروان و داغستان را تحت سلطه نظارت داشت. روسیه هر چند که هنوز عملاً در صحنه حضور نداشت، سرحداتش را به جلو تا خط سیر انترکپیش برده بود و بدین ترتیب به داغستان نزدیک بود.

هنگامی که پتر کبیر بر ضد سوئد سلاح برگرفت امپراطوری صفویه در تحت [حکومت] شاه سلطان حسین ضعیف ۱۱۳۵-۱۱۰۵ (۱۷۲۲-۱۶۹۴ م) شروع به از دستخاندن قلمروهای دوردستش کرد. شورش‌های قبیله‌ای در افغانستان از ۱۷۰۹ به این طرف روی داد و بعدیگر ایالات سرحدی امپراطوری [یعنی] کردستان، لرستان و بلوچستان گسترش یافت. داغستان

# سندی منتشر نشده از لشکرکشی پتر کبیر به قفقاز

■ شانتال لومرسیه کلکوزه  
ترجمه از انگلیسی: نقی لطفی

این سند، نسخه‌ای از نامه  
وزیر اعظم باب عالی (عثمانی)  
خطاب به حاجی داوودخان حاکم  
شیروان و جنوب داغستان در  
تاریخ ۲۰ جمادی الاول سال ۱۱۳۵  
برابر با ۲۷ فوریه ۱۷۲۳ می‌باشد

اشاره: همزمان با افول ستاره قدرت و عظمت دولت صفویه، پتر کبیر در روسیه ظهور کرد. اینک دولت روسیه‌نژادی که بر اثر اصلاحات سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی همه‌جانبه پتر قدرتش تقویت شده بود بعد از در هم کوبیدن سوئدی‌ها برای اولین بار به مداخله نظامی در ماوراء قفقاز که قبلاً حوزه نفوذ دولت صفوی و امپراطوری عثمانی بود، پرداخت. به دنبال سقوط دولت صفوی، دولتین روس و عثمانی برای تسخیر و تصرف قلمروهای ایران در شمال به رقابت برخاستند و تا سرحد جنگ پیش رفتند ولی سرانجام صلح کرده، به تقسیم ایران فی‌مابین خود رضایت دادند. این سندی‌نگر وضع و سرنوشت ایران در یک برهه حساس از تاریخش و افشاگر مطامع عیان و آشکار دول روس و عثمانی در این کشور است که با به قدرت رسیدن نادر «فرزند شمشیر» نقش برآب شد.

بیفزاید.

سندی که در ذیل به طور کامل (با توجه به انشای آن) ترجمه گردید نسخه‌ای از نامه وزیر اعظم باب عالی (عثمانی) خطاب به حاجی داود خان حاکم شیروان و جنوب داغستان در تاریخ ۲۰ جمادی الاول سال ۱۱۳۵ برابر با (۲۷ فوریه ۱۷۲۳) می‌باشد. سند [مذکور] به شماره ۹۱۸۷ در مجموعه «جودت تصنیفی» Gaudet Tasnife بایگانی مرکز وکالت

امید است که انتشار این سند و امثال آن برهوشیاری و بیداری ملت بزرگ ایران نسبت به سرنوشت مملکت و خود و آگاهی از نقشه‌های شوم‌یگانگان در کمین نشسته



► قره کلیسا

به دنبال سقوط دولت صفوی، دولتین روس و عثمانی برای تسخیر و تصرف قلمروهای ایران در شمال به رقابت برخاستند و تا سرحد جنگ پیش رفتند ولی سرانجام صلح کرده، به تقسیم ایران فی مابین خود رضایت دادند. این سند بیانگر وضع و سرنوشت ایران در یک برهه حساس از تاریخش و افشاکر مطامع عیان و آشکار دول روس و عثمانی در این کشور است که با به قدرت رسیدن نادر «فرزند شمشیر» نقش بر آب شد!

این سند نشان می‌دهد که برای نخستین بار در تاریخ، روسیه به شکل نظامی در ماورای قفقاز که تا آن زمان توسط دو سلطنت بزرگ شرقی یعنی امپراطوری عثمانی و امپراطوری صفوی ایران مورد منازعه و کشمکش بود، مداخله نمود

مرد که یک دسته دیگر ارمنی ۸ هزار نفری تحت رهبری اشعیای اسقف بدان افزوده شده بود می‌بایست علیه حاجی داوود حرکت کرده شماخی را از دست او بگیرد و به سپاهیان روس در ساحل بحر خزر بپیوندد.

اما در این ضمن اقدام ترکیه عثمانی نیز در میان بود با آگاهی از سرنوشت دریند، عثمانی در ارسال یک فرمان امپراطوری به حاجی داوود مبنی بر تعیین او به عنوان والی شیروان و داغستان و اطلاع به نپلویف سفیر روسیه در قسطنطنیه که او [ترکیه] داغستان و ماوراء قفقاز شرقی را متعلق به خود تلقی می‌کند هیچ فرصتی را از دست نداد.

نقشه لشکرکشی که پتر کبیر را سرگرم کرده بود مقدر نبود تحقق پیدا کند. یک طوفان دریایی در پایان ماه آگوست ۱۷۲۲ کشتی‌های تدارکاتی را در راه بازگشتشان از استراخان نابود ساخت. امپراطور کمارتیاپاش با پایگاهش قطع شده بود مجبور شد از برنامه‌های جاه طلبانه‌اش دست بردارد. با بجا گذاشتن ساخلوی قوی در دریند و دیگر بنادر بحر خزر به استراخان بازگشت کرده واتانگ ششم را در معرض حملات داغستانی‌ها که اینک با عقب‌نشینی نیروهای روسیه جسارت یافته بودند رها کرد. لشکرکشی زمینی با موانع نسبی مواجه شده بود معذالک با وجود این، فتح سواحل بحر خزر از ماه اکتبر به این سو با شدت بیشتری دنبال شد. ناوگان روسی یک واحد اعزامی را در گیلان در ساحل جنوبی پیاده کرد که قادر شد مرکز آن یعنی رشت را در ماه مارس ۱۷۲۳ اشغال کند. در ماه ژوئیه یک ناوگان دیگر در باکو ظاهر شد. بعد از گلوله‌باران چهار روزه، این آخرین برج و باروی استحکامات ایران در قفقاز را تسخیر کرد. شکست شاه طهماسب در این زمان آنچنان بود که او از دست رفتن تمامی متصرفاتش را به رسمیت شناخته،

که روسیه و ترکیه (عثمانی) در صدد برآمدند هر چه سریع‌تر آنرا پرکنند. نخست روسیه بود که به مداخله پرداخت. در آغاز ماه ژوئن سال ۱۷۲۲ یک سپاه از پیاده و سواره نظام ۵۰ هزار نفری نیرومند که بوسیله شخص پتر کبیر فرماندهی می‌شدند در استراخان بایش از ۲۰۰ سفاین حمل و نقل گرد آمدند. در پانزدهم ژوئن پتر بیانیه‌ای منتشر کرد یا اعلان اینکه از برای نجات شاه سلطان حسین از دست افغانه و شورشیان لزگی آغاز به جنگ نموده است. در هیجدهم ماه ژوئن پیاده نظام روسی به کشتی‌ها و سفاین برنشتند در حالی که سواره نظام راه جنوب در امتداد ساحل بحر خزر را در پیش گرفتند. در دوازدهم ماه آگوست سپاه روس به ترکی Tarki مرکز کودیک Kudyk به شمال‌ت رسید.

امپراطور از طرف شمشال عادل گرای که برای جلب حمایت روسها شتاب ورزیده بود با شکوه و جلال فراوان مورد استقبال قرار گرفت. با گشودن راه به طرف جنوب، سپاهیان باینک Baynak را بدون جنگ متصرف شدند. و سپس در نوزدهم ماه آگوست در سواحل اینچه-اوس inke-Aus محمود سلطان اوتمیش متحد حاجی داوود را شکست دادند.

راه حصول به دریند اینک باز شده بود و این امر در بیست و سوم آگوست تحصیل شد. قلعه بدون مقاومت تسلیم گردید و نایب [الحکومه] در بند امام قلی خان کلیدنقرهای شهر را به پتر کبیر تقدیم کرد.

طرح پتر کبیر این بود که به طرف جنوب پیشروی کند و همه سرزمین‌های قفقاز را که سابقاً در تحت سلطه دولت ایران بود تصاحب کند. در این مورد او روی همکاری جماعات مسیحی ماوراء قفقاز حساب می‌کرد. واتانگ Vahtang VT ششم شاه کارتالینیا در راس نیروهای کرجی به تعداد ۳۰ هزار

جنوبی همچنین تقریباً در حال هرج و مرج کامل بود. از سال ۱۷۱۱ م. قبایل لزگی منطقه جارا Jara در شورش آشکار بر ضد فرمانروایی ایران و علیه قدرتمندان محلی کوچک که نماینده آن محسوب می‌شدند، به سر می‌بردند.

این جنبش ضد فئودالی دارای خصلت مذهبی بود که داغستانی‌های سنی «جنگ مقدس» [جهاد] بر ضد ایرانی‌های شیعه به راه انداختند. در راس شورشیان یک رهبر مذهبی سنی (علما) حاجی داوود شکوری قرار داشت. نظر به اینکه جنبش به سرعت زمینه پیدا کرد به این حاجی داوود بعضی از رؤسای داغستانی کولاک‌سورهی خان حاکم کازیکو موخ و اوچی از کای تاج، احمدخان از جمله اعیان بدو پیوستند. بنابراین باب عالی [عثمانی] او را به درستی به عنوان متحد احتمالی خود محسوب می‌داشت. ساخلوهای ضعیف ایرانی‌ها از داغستان بیرون رانده شدند و در ماه آگوست سال ۱۷۲۲ حاجی داوود با چهل هزار تن مردان جنگی لزگی خود شماخی مرکز شیروان را مورد حمله قرار داد و تصرف کرد. شهر دستخوش نهب و غارت واقع شد و سی تن از تجار و بازرگانان روسی که در آن بودند قتل عام شدند.

در حالی که حکومت ایران از قفقاز رختبر می‌یست، خاندان صفوی در داخل زیر ضربات امیر محمود از افغانه از پا در می‌آمد. وقتی که آنها مرکز امپراطوری، اصفهان را تسخیر کردند شاه سلطان حسین با تعیین فاتح افغانی به عنوان جانشین خویش بر تخت سلطنت ایران، از حکومت کناره‌گیری کرد. از امپراطوری شکوه‌مند صفوی به جز بعضی شهرها در شمال که به طهماسب پسر شاه سلطان حسین وفادار ماندند، چیزی باقی نماند.

در قفقاز ناپدید شدن ناگهانی قدرت ایران خلائی پدید آورد



## نادرشاه، آخرین فاتح بزرگ آسیا ملقب به «وحشت عالم» ترک‌ها را از ماوراء قفقاز بیرون راند و روس‌ها را مجبور ساخت که سرحدات خود را به رود اترک عقب بکشند.

تزارش را بر طبق آن مطلع کند، رسید. تا بنابراین دومی [روسیه] شاید همه طرح‌های تازه بازگشتش به دربند را رها کرده نقشه عملیاتش را لغو کند و مفاد قرارداد با امپراطوری عثمانی را رعایت کند. شاززادفر هشدار داده است که انتظار پاسخی بلاد رنگ از جانب فرمانروایش می‌رود. مکتوب حاضر که در خطاب به شماست که تا شما از وضعیت آگاه باشید. در صورتی که تزار از مقاصد خصمانه‌اش دست برندارد بلکه عملیات نظامی‌اش بر ضد سرزمین شما را تعقیب کند، شما باید با مراقبت عمل کنید.

در تماس منام با وزیر والی ارزالروم شما باید خود را از جایجایی نیروهای تزاری در کشور مطلع نگهدارید و از زیر نظر داشتن آنها دست برندارید. شما باید باشجاعت و شهامت رفتار کرده و وزیر ارزالروم را با هرگونه تحول تازه آشنا سازید. دعای خیر ما بدرقه راه شماست. نگذارید غیرت و حمیت شما سستی گیرد. باشد که خداوند که دعای مؤمنان را مستجاب می‌کند در این اقدام عون وافرش شامل حال شما گردد.

اگر به دنبال رسیدن پیغام مکتوب ما تزار از نقشه تهاجمش صرف‌نظر کرد قراردادی که با او منعقد ساختیم شکسته نخواهد شد. پیمان دوستی تشدید و تحکیم خواهد شد. اما اگر از گوش فرادادن به توصیه‌های ما خودداری و به شما حمله کرد بدانید که برای رضای خدا نیروهای امپراطوری و سپاهیان خان کریمه به ماموریتشان آمدن به کمک شما از خشکی و دریا اقدام خواهند نمود. امید است که شما با تمام سرعت ممکن به منطقه گنجه و تفلیس بشتابید تا در آنجا با والی ارزالروم ملاقات کرده با او راجع به اقداماتی که باید صورت گیرد آنطور که اوضاع و احوال و رفتار روسها ممکن است معلوم کند، بحث نمایید.

تحریر در ۲۰ جمادی‌الاول ۱۱۳۵ (فوریه ۱۷۲۳).

بامعضی مناطق محلی در داخل اراضی اشغال کرده است، می‌آگاهاند.

علاوه بر این، گزارشی از ملک مسعود، بهجت‌روزگار عظیم‌الشان سعادت گرال خان سلطان [شبه‌جزیره] کریمه حاکی از این است که تزار با سپاهیان بی‌شمار قلمه دربند را اشغال کرده است و در کار ساختن استحکامات در سرزمین کومیکس (شمال داغستان) می‌باشد و واحدهای نظامی در آنجا مستقر کرده‌اند علی‌الظاهر قصد دارد به این مناطق دوباره در این سال باز گردد.

این اطلاع و اخبار به هم پیوسته تائید می‌کند که تزار قصد ندارد از علائقش در داغستان صرف‌نظر کند. یک شورایی به فرمان اعلی حضرت قدر قدرت پادشاه عظیم‌الشان والانسب که چاکران [درگاهش] همنای اسکندر کبیر هستند کسی که خاقان اعظم، مامن امن، حافظ اسلام، سلطان بحرین و برین، خادم حرمین شریفین (مکه و مدینه) است که سلطنتش را خداوند تاقیامت مستدام بدارد، فراخوانده شد.

این شورا شامل وزراء، علما و شخصیت‌های مختلف معزز و محترم دولت همچنین روسای واحدهای بینی‌چری‌ها و دیگرانی که شایستگی داشتند طرف‌مشورت قرار گیرند، بود. این شورا متفقا بر تصمیم ذیل صحه گذاشتند:

«از آنجایی که شما و اتباع‌تان حمایت دولت عظیم و ابدی عثمانی را درخواست کردید و نظر به اینکه عریضه درخواست شما منطبق با قوانین اسلام و اصول جامعه مذهبی پیروان دین محمد (ص) حکم شد شما در ظل توجهات، تحت حمایت سلطان ما پذیرفته شده‌اید. و از آنجا که سرزمینهای در تملک شما بقلمروهای امپراطوری، ملحق شده است در این صورت اکنون قصد خصمانه تزار نسبت به این سرزمینها در تضاد با مفاد قراردادی تلقی می‌شود که او با امپراطور عثمانی منعقد ساخته است» همینطور شورا اعلان می‌کند حفظ حاکمیت ما بر ما واجب و حسب دستورالعمل‌های مذهبی مرعی است. این تصمیم به اطلاع شاززادفر روسیه که از او خواسته شد

فرستاده‌اش در سن پترزبورگ قراردادی را در ۱۲ سپتامبر سال ۱۷۲۳ امضاء کرد که به موجب آن همه اراضی ساحلی بحر خزر منجمله گیلان، مازندران و استرآباد را به دولت روسیه واگذاشت.

در این ضمن سپاهیان عثمانی نیز مبادرت به جنگ کرده بودند. در ماه فوریه ۱۷۲۳ وزیر اعظم به حاجی داوودخان مکتوبی را که در ذیل برگردان مجددش آورده می‌شود ارسال داشت که از مضمونش چنین مستفاد می‌شد که جنگ با روسیه قریب‌الوقوع است. بعد از آن به زودی نیروهای ارتش ترکیه عثمانی به فرماندهی ابراهیم پاشا والی ارزالروم به گرجستان نفوذ کرد. تبلیسی و ایروان را تصرف نمود و به سواحل بحر خزر درست در زمانی که روس‌ها در حال اشغال باکو بودند نزدیک شد. جنگ حتمی به نظر می‌رسید لیکن از [وقوع] آن اجتناب گردید.

سپاهیان روسی در فاصله دوری از پایگاه‌شان در شرایطی نبودند که با باب عالی که هنوز نیرومند و مهیب بود زور آزمایی و مقابله کنند. در این ضمن دولت عثمانی نیز با اشغال تمامی آذربایجان جنوبی حساب می‌کرد که جبران مافات خود را نموده است. سپاهیان ترک و نیروهای حاجی داوود برای پیشروی به طرف ساحل فشار وارد نکردند و روس‌ها نیز به نوبه خودشان از هرگونه تاخت و تاز به سوی کوهستان خودداری کردند.

در ۱۲ ماه ژوئن ۱۷۲۴ روسیه و ترکیه قراردادی را در قسطنطنیه امضاء کردند که به موجب آن، آنها غنایم امپراطوری صفوی را بین خود تقسیم می‌کردند. روسیه می‌بایستی همه قلمروهایی را که توسط ایران به او واگذار شده بود حفظ کند. و در مورد عثمانی قرار شد تملکش بر گرجستان، ارمنستان، شیروان، داغستان و حتی آذربایجان تا قزوین و اردبیل به رسمیت شناخته شود. این یکی از توافقی‌های نادر بین دو قدرت برای رفع اختلافاتشان به روش مطلوب به شمار می‌رفت. اما دوره‌اش کوتاه بود زیرا چند سال بعد ایران انتقام قابل ملاحظه‌ای گرفت. در سال ۱۷۲۳ نادرشاه آخرین فاتح بزرگ آسیا ملقب به «وحشت عالم» قدرت ایران را به نقطه اوجی رساند که هرگز بدان حد نرسیده بود. اوترک‌ها را از ماوراء قفقاز بیرون راند و روس‌ها را مجبور ساخت که سرحدات خود را به رود اترک عقب بکشند. فقط در اوایل قرن نوزدهم بود که روسیه بار دیگر به طور قطعی، در ماوراء قفقاز پا خواهد گذاشت.

مکتوب وزیر اعظم خطاب به حاجی داوودخان در بیستم جمادی‌الاول سال ۲۷ (۱۱۳۵ فوریه ۱۷۲۳)

ولایت‌بخان محبوب فرخنده فال مشهور آفاق بیشتر تزار روس از طریق شاززادفر خود (وابسته سیاسی سفارت) در استامبول از شما و اتباع شما که بنابه علقه ملن و مذهبی با مردمان عثمانی به آستان‌سریر سعادت در حیظه نظارت پادشاه عالم پناه آورده‌اید مطلع گردیده بود.

از شاززادفر مذکور خواسته شده بود در این معنی به تزارش بنویسد بنابراین این دولت ممکن است از مقاصد خصمانه نسبت به شما صرف‌نظر کند و سپاهیانش را به پایگاه عزیزمیشان عقب بکشد. از طریق درویش محمود آغا کارگزار امپراطوری که تحویل مکاتیب مقاوله نامه‌ها به شما به او سپرده شد ما شما را مطلع ساخته که تزار در واقع از قلمروهای خودش عقب‌نشینی کرده بود وجود این اینک در این لحظه حساس به ما اول گزارش وزیر محبوب ابراهیم پاشا والی ارزالروم و فرمانده کل قوای انجم شمار مسئولین عملیات نظامی در این قسمت دوم مکتوب مودت‌آمیز شخص شما می‌رسد. این پیامها و مکتوبات ما را از تصرف قلمه دربند واقع در دروازه‌های آهنین (دمیرکاپی) توسط تزار و اینکه این را با سربازانش همراه